



فصلنامه علمی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال چهاردهم، شماره ۴۵، زمستان ۱۴۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۷۶-۱۵۱

تعیین معانی فعل «زدن»: تحلیل الگوهای پیکره‌ای^۱

غلامحسین کریمی دوستان^۲، آرزو رازانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۳

چکیده

تحلیل الگوهای پیکره‌ای، روشی برای بررسی معنا و قالب افعال در زبان است که در بررسی زبان‌های گوناگونی مانند انگلیسی، اسپانیایی و ایتالیایی به کار رفته است. از آن جایی که در زبان فارسی از ساخت افعال سبک، استفاده گسترده‌ای می‌شود، در پژوهش حاضر کاربرد این روش در زبان فارسی و در مورد فعل «زدن» - یکی از پربسامدترین فعل‌های سبک زبان فارسی - مورد بررسی قرار گرفته است. از این رو، با استفاده از داده‌های مستخرج از پیکره زبان فارسی بیجن خان، در مرحله نخست، فهرستی از پایه‌هایی که همراه فعل سبک «زدن» به کار می‌روند، در پیکره تهیه گردید. سپس، روش تحلیل الگوهای پیکره‌ای بر روی این پایه‌ها به کار برده شد. با استفاده از ۶۰۰ کاربرد ساختاری متفاوت و در حدود ۵۰۰ معنای مختص به آن‌ها، چهار کاربرد برای فعل زدن از یک‌دیگر تمیز داده شد. در نتیجه در این مقاله، افزون بر کاربرد «زدن» به عنوان فعل سنگین و فعل سبک، دو کاربرد جدید در داده‌های به دست آمده از پیکره زبانی معرفی می‌گردد: نخست، [نوع معنایی] + فعل سبک «زدن»؛ و دوم، عبارت فعلی حاوی فعل سبک «زدن» که یک چارچوب معنایی را تشکیل می‌دهد و با افزوده شدن یک جزء معنایی متغیر، که معمولاً یک صفت است، معنای آن کامل می‌شود.

واژه‌های کلیدی: تحلیل الگوهای پیکره‌ای، فعل سبک، پیکره، زبان فارسی

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2021.33545.1940

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.20088833.1401.14.45.6.0

^۲ استاد گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ Gh5karimi@ut.ac.ir

^۳ دانشجوی دکترا، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ arezoo_razani@ut.ac.ir

۱. مقدمه

میلر (Miller, 2018) بر این باور است دو نوع هم‌نشینی در زبان فارسی وجود دارد که بر روی فرهنگ‌نگاری در این زبان تأثیرگذار است: کاربرد افعال سبک و کاربرد کسره اضافه. از آن جا که در زبان فارسی نزدیک به ۲۰۰ فعل ساده وجود دارد، مفاهیم دیگر با استفاده از ساخت افعال سبک بیان می‌شوند (Gerdes & Samvelian, 2008). به باور میلر (Miller, 2018) در مورد ساخت افعال سبک سطح‌های متفاوت ترکیب‌ناپذیری و درجه‌های متفاوت غیر قابل پیش‌بینی بودن، در مورد اینکه چه فعل سبکی در یک عبارت به کار می‌رود، وجود دارد. بنابراین دلایل فهرست کردن ساخت‌های افعال سبک در فرهنگ‌های مختلف، متفاوت است. برای نمونه، در فرهنگ معاصر کیمیا (فارسی - انگلیسی) (Emami, 2009) عبارت «حرف زدن» به عنوان یک مدخل همراه با تلفظ و جدای از اسم «حرف» فهرست شده است، در حالی که فرهنگ معاصر فارسی (Sadri-Afshar et al., 2008) «حرف زدن» را در کنار ساخت‌های فعلی دیگر که مشتمل بر «حرف» هستند، فهرست کرده است. همچنین در بررسی فعل‌های سبک، در مورد تعداد ترکیب‌های ساخته‌شده با هر فعل سبک هم تفاوت‌های آشکاری وجود دارد.

از یک سو در دهه‌های اخیر، با به وجود آمدن پیکره‌های گسترده زبانی، بهره‌گیری از پیکره زبانی در امر فرهنگ‌نویسی و بررسی افعال مورد توجه قرار گرفته است. به باور (Hanks & Može, 2019) فرهنگ واژگان سنتی در واقع معنابنیاد هستند، به این صورت که معناهای^۱ متفاوت یک واژه را فهرست می‌نمایند و اطلاعات ناچیزی در مورد عبارت‌شناسی^۲ واژه بیان می‌کنند. همچنین از سوی دیگر، از دهه نود میلادی پژوهشگران اروپایی به اهمیت عبارت‌شناسی در تعیین و تشخیص معنا پی برده‌اند. از مهمترین این آثار می‌توان به پژوهش‌های گلاسر (Glaser, 1986)، کوی (Cowie, 1998)، برگر (Burger, 2008)، گرانگر و پیازه (Granger & Paquot, 2008) و استیر (Steyer, 2015) اشاره کرد. به باور اورت (Evert, 2011)، زبان‌شناس رایانشی، نشان داده است معنای یک واژه را می‌توان در کاربرد آن فهمید. با توجه به این دو مورد، برای از بین بردن کاستی‌های موجود در فرهنگ‌نویسی زبان فارسی، در پژوهش حاضر برآنیم تا با بهره‌گیری از روش تحلیل الگوهای پیکره‌ای^۳، ترکیب‌های فعل «زدن» مورد بررسی قرار گرفته و در پایان، فهرستی پیکره‌بنیاد از این ترکیب‌ها همراه با اطلاعات کامل کاربرد نحوی-واژگانی ارائه گردد. این فهرست شامل الگو، معنی و چند مثال از

¹ sense

² phraseology

³ Corpus Pattern Analysis

کاربردهای «فعل زدن» در پیکره است. یافته‌های به‌دست آمده از این پژوهش می‌تواند در زمینه ترجمه، آموزش زبان فارسی و همچنین به عنوان داده برای بررسی در حوزه‌های دیگر زبان‌شناسی به کار گرفته شود. در بخش پیشینه، فعل‌های ترکیبی زبان فارسی معرفی می‌گردند. سپس، از آن جاکه هدف از مقاله حاضر بررسی پیکره بنیاد فعل «زدن» است، در بخش شیوه پژوهش، روش تحلیل الگوهای پیکره‌ای معرفی می‌شود. برای پیاده‌سازی این روش از پیکره ۵۰۰ میلیون واژه‌ای بی‌جن‌خان بهره گرفته شده و بیش از ۲۰ هزار واژه‌نما^۱ برای مشخص شدن الگوی فعل «زدن» با استفاده از نرم افزار تحلیل پیکره^۲ مورد بررسی قرار گرفته است. سپس، در بخش روش پژوهش در زبان فارسی، شیوه بهره‌گیری از روش تحلیل الگوهای پیکره‌ای در زبان فارسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بخش، نخست، شیوه تشخیص معناهای متفاوت و سپس شیوه جداسازی الگوهای ساختاری شرح داده می‌شود. در ادامه، در بخش تحلیل داده‌ها، الگوهای به‌دست آمده، مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند و چهار کاربرد متفاوت فعل «زدن» معرفی می‌گردد. در پایان، جمع‌بندی مطالب در بخش نتیجه ارائه می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

در مورد افعال ترکیبی زبان فارسی پژوهش‌های بسیاری انجام گرفته که خارج از بحث مقاله حاضر است، اما در مورد فعل «زدن» روحی و کریمی دوستان (Karimi-Doostan & Roohi, 2016) با استفاده از دیدگاه شناختی به بررسی چند معنایی فعل «زدن» پرداخته‌اند. آن‌ها از ابزارهایی مانند مقوله‌بندی، نظریه سرنمون، مقولات شعاعی و بسط استعاری استفاده کرده‌اند و از رویکرد معنی‌شناسی واژگان شناختی بهره برده‌اند. ولی پرس پرد^۳ (Samvelian & Faghiri, 2013)، بررسی دیگری درباره افعال ترکیبی زبان فارسی است، که به باور پژوهشگران آن، نخستین پایگاه داده زبان فارسی است که افعال ترکیبی زبان فارسی را از جنبه نحوی و معنایی مورد بررسی قرار داده است. این پژوهش، مجموعه‌ای است چندزبانه شامل اطلاعات نحوی و معنایی افعال مرکب زبان فارسی، ترجمه انگلیسی و فرانسوی فعل‌ها و حداقل یک جمله مثال برای هر فعل. در نسخه نخست پرس پرد در حدود ۷۰۰ ترکیب با فعل «زدن» فهرست شده است، این ۷۰۰ ترکیب، شامل ۵۲ گروه^۴، ۹ فراگروه^۵ و ۲۲ حوزه^۱ است. داده‌های مورد بررسی از منبع‌های مختلفی شامل

¹ concordance

² AntConc

³ PersPred

⁴ class

⁵ super class

فرهنگ لغت، ادبیات، رسانه‌ها و داده‌های موجود در اینترنت و پیکره ۶/۲ میلیون واژه‌ای بی‌جن خان گردآوری شده‌است. در پژوهش دیگری، با استفاده از پیکره زبانی ۱۶۰ ترکیب شامل فعل «خوردن» مورد بررسی قرار گرفت، در این بررسی، افزون بر فعل‌های مرکب حاوی «خوردن»، به ترکیبات اصطلاحی هم پرداخته شده‌است (Izanloo & Nasib Zarraby, 2016).

۲.۱. افعال ترکیبی در زبان فارسی

ساخت فعل سبک یکی از انواع محمول‌های مرکب است که به وسیلهٔ امبربر و همکاران (Amberber et al., 2010) مورد بررسی قرار گرفته‌است. بر مبنای تعریف بات (Butt, 2010) محمول مرکب، ساختاری است شامل دو یا چند عنصر محمولی (برای نمونه اسم، فعل و صفت) که به عنوان یک واحد عمل می‌کنند. در ساخت افعال سبک محمول مرکب، از فعل سبک معنایی و یک جزء دوم که بار معنایی عمده‌ای را به ترکیب می‌افزاید، تشکیل می‌گردد (Fleischhauer, 2020). پژوهش‌های مرتبط با فعل سبک از دو دیدگاه نحوی یعنی ساخت موضوعی فعل و معنایی یا به بیانی دیگر تهی بودن فعل سبک از معنی یا حاوی معنی ویژه (عاملیت^۲ یا اراده‌مندی^۳) بودن، انجام شده‌است. همچنین، پژوهش‌های دیگری هم در زمینه جدانشدنی یا جدانشدنی بودن افعال سبک زبان فارسی انجام گرفته‌است، از جمله می‌توان به پژوهش فلیشاور (Fleischhauer, 2020) اشاره کرد.

در زبان فارسی به سبب محدود بودن تعداد واژه‌های فعلی - محمد و کریمی (Mohammad & Karimi, 1992) شمارگان افعال فارسی را ۱۱۵ می‌دانند، این تعداد در منابع دیگر ۲۰۰ و ۲۵۰ نیز ارائه شده‌است - بسیاری از مفاهیم با استفاده از ساخت افعال سبک بیان می‌شوند؛ جز غیر فعلی یا پایه می‌تواند اسم، حرف اضافه، صفت یا گروه حرف اضافه‌ای باشد. به باور فلیشاور (Fleischhauer & Neisani, 2020) ساخت افعال سبک از نظر معنایی، قراردادی و تفسیرهای آن‌ها تلویحی است. همچنین، ویژگی‌های اصطلاحی^۴ و ویژگی‌های واژگانی یا عبارتی^۵ آن‌ها اهمیت دارد. ولی به باور نانبرگ و همکاران (Nunberg et al., 1994) عبارت‌های ترکیب‌شده در قالب اصطلاح، حتی با وجود اینکه قراردادی هستند و ممکن است معنای تلویحی داشته باشند، ترکیبی^۶ هستند.

¹ field

² agentivity

³ volitionality

⁴ idiomaticity

⁵ phrasal

⁶ compositional

از دید نانبرگ و همکاران (Nunberg et al., 1994) و ساگ و همکاران (Sag et al., 2002) یکی از ویژگی‌های افعال سبک که نشان می‌دهد این افعال توزیع منظم و قاعده‌مند دارند این است که در ساخت افعال سبک ترکیبی، خانواده‌هایی وجود دارند. به بیان دیگر، اعضای یک خانواده همراه با هسته یک فعل سبک مشخص به کار می‌روند، در حالی که عنصر پیش‌فعلی متفاوتی دارند؛ این مورد در بخش (۴-۳) شرح داده می‌شود. در بخش پسین، روش تحلیل الگوهای پیکره‌ای که برای بررسی رفتار فعل «زدن» در کاربردهای واقعی مورد استفاده قرار می‌گیرد، شرح داده می‌شود.

۳. روش پژوهش

۳.۱. معرفی روش تحلیل الگوهای پیکره‌ای

تحلیل الگوهای پیکره‌ای روشی پیکره‌بنیاد، برای مرتبط ساختن کاربرد واژه با یک الگوی نحوی-کاربردی^۱ است. همچنین این روش ابزاری است برای تعیین ابهامات در الگوهای معنایی که واژه‌ها در آن به کار می‌روند (Baisa et al., 2015). دو ویژگی اصلی این روش این است که نخست، فقط کاربردهای زبانی مستخرج از پیکره و به صورت جز به کل بررسی می‌شوند و دوم، تحلیل بر توصیف دقیق الگوی واژه در متن متمرکز است نه بررسی معنی واژه خارج از متن (El Maarouf et al., 2015). اساس نظری این روش نظریهٔ هنجار و بهره‌گیری^۲ (Hanks, 2013, 2004; Hanks & Pustejovsky, 2005) است و بنیان آن این است که معنا به یک الگو بستگی دارد نه به یک واژه تنها.

در هر الگوی نهایی مستخرج از پیکره افزون بر ساختار موضوعی اصلی، باهم‌آیی^۳ و مشخصه‌های ظرفیت فعلی جزئی تر^۴ هم تعیین می‌شوند. باهم‌آیندها برای هر موضوع بر اساس نوع معنایشان^۵ در یک دسته معنایی^۶ قرار داده می‌شوند (El Maarouf et al., 2015). هنکس (Hanks, 2013) نوع معنایی را با استفاده از موضوع‌های فعلی تعریف می‌کند و بیان می‌کند که همراه هر فعلی یک گروه از واژه‌ها با معنای مشترک می‌توانند به عنوان موضوع به کار روند، این واژه‌ها یک دسته معنایی نامیده می‌شوند و وجه اشتراک آن‌ها، نوع معنایی این دسته از واژه‌ها است. وی برای روشن شدن این مفهوم از فعل انگلیسی «fire» و واژه‌هایی که می‌توانند در جایگاه

¹ syntagmatic

² Theory of Norms and Exploitations

³ collocation

⁴ subvalency

⁵ semantic type

⁶ semantic set

مفعول قرار گیرند، یعنی «Kalashnikovs»، «machine guns»، «revolvers»، «pistols»، «rifles» و «guns» بهره می‌گیرد و آن‌ها را جز یک دسته معنایی می‌داند. در مورد برخی افعال، نوع معنای موضوع، دو معنی متفاوت فعل را از هم متمایز می‌سازد. در روش تحلیل الگوهای پیکره‌ای، الگوها معنابنیاد هستند و به زمینه پیش‌نمونه‌ای جمله‌ها ارتباط داده می‌شوند (Popescu et al., 2014).

برای از بین بردن ابهام از افعال و الگوها به نوع معنایی نیاز است؛ اما انواع معنایی به کاررفته در روش هنکس (Hanks, 2013) بر اساس شم زبانی تعیین نشده‌اند، بلکه در طی کار و به صورت مستخرج از پیکره فهرستی از آن‌ها تولید می‌شود. از سوی دیگر، انواع معنایی در قالب یک هستی‌شناسی^۱ به صورت سلسله‌مراتبی سازمان‌دهی می‌شوند. هر واژه ممکن است بیش از یک نوع معنایی داشته باشد و این انواع معنایی شاید در دنیای واقعی کاربردی نداشته باشند، ولی برای تعیین الگوی افعال و تعیین دقیق معنی‌های افعال، تشخیص درست نوع معنایی الزامی است.

۲.۳. مراحل استخراج الگوها

برای استخراج الگوها، نخستین کار تهیه یک هستی‌شناسی است. برخلاف پروژه‌های پیشین مانند وردنت^۲ (Fellbaum, 1998)، برای تحلیل الگوهای پیکره‌ای هستی‌شناسی مستخرج از پیکره است نه شم بنیاد (El Maarouf et al., 2015). از سوی دیگر هستی‌شناسی تحلیل الگوهای پیکره‌ای با استفاده از واژه‌های مردم عادی ساخته شده است و به جزئیات علمی نپرداخته است. زیرا معنی زبان‌های طبیعی را مفاهیم مورد استفاده توسط مردم عادی می‌سازد، نه جزئیات علم (Wierzbicka, 1984). برای نمونه، در اثر وردنت (Fellbaum, 1998) بیش از ۵۰ زیرمجموعه برای موجودات زنده آورده شده است، در حالی که در تحلیل الگوهای پیکره‌ای فقط ۱۷ زیرمجموعه آورده شده است. نکته مهم دیگر این است که هستی‌شناسی به تدریج و در طی بررسی پیکره تکمیل می‌شود، زیرا با این کار نخست لازم نیست در ابتدای کار کل هستی‌شناسی تهیه شود و دوم اینکه اگر نقصی در هستی‌شناسی وجود داشته باشد به تدریج کامل می‌شود. در مرحله پسین برای هر فعل ۲۵۰ واژه‌نما از پیکره انتخاب می‌شود و با استفاده از انواع معنایی الگو یا الگوهای آن تعیین می‌شوند. در صورتی که در این مرحله فعل بیش از ۱۰ الگوی متفاوت داشته باشد تعداد واژه‌نما به ۵۰۰ عدد افزایش می‌یابد و در صورتی که الگوهای فعل به ۲۰ عدد برسد باری دیگر تعداد واژه‌نما دو برابر خواهند شد.

¹ ontology

² WordNet: <http://wordnet.princeton.edu/>

در این میان، روش تعیین و جداسازی الگوها، بسیار اهمیت دارد. به باور هنکس (Hanks, 2013) هدف از بررسی افعال این است که کاربردهایی را که نشان‌دهنده یک الگو هستند، در یک دسته قرار دهیم. ولی همانند بودن الگوها باید همسو با معیار نحوی-کاربردی و معنایی باشد. از این رو دو پرسش زیر را در هنگام تعیین الگوها بایستی مطرح کرد «آیا تمام این عبارتها دارای یک معنای یکسان هستند؟» و «آیا تمام این عبارتها دارای یک ساختار موضوعی هستند؟». پس در نتیجه هر الگو کاربردهایی را که دارای ساختار موضوعی یکسان و معنای یکسان هستند در یک طبقه قرار می‌دهد.

از سوی دیگر برای بررسی کاربرد واژه‌ها (در این پژوهش فعل «زدن») به یک چارچوب نحوی نیاز است. به باور هنکس (Hanks, 2013) چنین نظام نحوی بایستی ساده و مستحکم باشد. واژه‌های متفاوت در ساخت‌های گوناگون یک زبان به کار می‌روند، اما در جوهره هر زبانی چارچوب‌های محدود و مشخصی وجود دارد که ساده و پیش‌نمونه‌ای هستند و گویشوران از آنها برای ساخت گروه‌ها و بندها و در نهایت رساندن معنا بهره می‌گیرند. نظریهٔ هنجار و بهره‌گیری از ساختار درختی زبان‌شناسی زایشی استفاده نمی‌کند، بلکه از نسخه‌ای از دستور قراردادی کویرک^۱، هلیدی^۲، سینکلر^۳، بیبر^۴ و هوئی^۵ بهره می‌گیرند (Hanks, 2013). این دستور در کتاب هنکس (همان) دستور نظام‌مند^۶ نامیده می‌شود. مطابق این دستور متن، حاصل نظام‌گزینش نویسنده یا گوینده است. در این دستور، مرتبه^۷ یکی از اجزای اصلی است. به این معنا که هر مقوله دستوری بایستی در مرتبه ویژه خودش بررسی شود، برای نمونه، صفت در مرتبه گروه و فعل در مرتبه بند تحلیل می‌شوند، اما اسم‌ها در هر دو مرتبه بند و گروه قابل بررسی هستند. در نتیجه، در مورد اسم دو پرسش مطرح می‌شود «اسم‌ها به چه ترتیب با توصیف‌کننده‌ها^۸ همراه می‌شوند؟» و یا «اسم‌ها چگونه به عنوان فاعل، مفعول یا مفعول حرف اضافه به کار می‌روند؟» یا به بیان دیگر «اسم‌ها در بندها چه نقشی ایفا می‌کنند؟». به باور هنکس (همان) برای بررسی الگوی نحوی-کاربردی واژه‌ها دستور نظام‌مند مناسب‌تر از دستور زایشی است. بر مبنای دستور نظام‌مند، هر گفتمان منسجمی را می‌توان به عنوان پیکره‌ای دید که از بندها ساخته شده‌است، این بندها دارای ساختاری مرکب از دو یا چند مورد از موارد زیر است:

¹ R. Quirk

² M. Halliday

³ C. Sinclair

⁴ D. Biber

⁵ M. Hoey

⁶ systemic grammar

⁷ rank scale

⁸ modifier

از ۲۰۰۰ واژه‌نامه فهرستی از پایه‌های به کاررفته در ترکیب با فعل «زدن» به دست آمد. سپس، همسو با روش مورد اشاره، هر کدام از این پایه‌ها به صورت جداگانه در پیکره جستجو شده و الگوهای ویژه آن‌ها تعیین گردید. برای بررسی واژه‌نامه‌ها از نظر ساختاری از دستور نظام‌مند بهره گرفته می‌شود و بر مبنای بندهای حاوی فاعل، محمول، مفعول، متمم و قید الگوها شکل گرفته‌اند. برای روشن شدن موضوع، برخی از واژه‌نامه‌های شامل «زنگ زدن» که از پیکره زبانی به دست آمده‌اند، در نمونه‌های (۱) تا (۵) آمده‌است.

۱. وقتی همسر زنگ زد و گفت چه بلایی سر شکوفه آمده....

۲. زنگ در خانه را زدند و در را باز کردیم.

۳. قابلیت گوگل خبر ندارید که می‌توانید آن را مانند ساعت کوک کنید تا در زمان مقرر

زنگ بزند و خبرتان کند.

۴. کلمه آشنایی میانشان هست که در گوشتان زنگ بزند.

۵. آیا توجه کرده‌اید که بعضی از فلزات زنگ می‌زنند و بعضی دیگر، زنگ نمی‌زنند؟

ترکیب «زنگ زدن» در نمونه‌های (۱) تا (۵) به ترتیب دارای معانی «تماس تلفنی برقرار کردن»، «زنگ در خانه را به صدا در آوردن»، «صدای هشدار به صدا در آمدن»، «صدایی در گوش و مغز اکو شدن» و «اکسید شدن فلزات» است. ولی برای تعیین و نشان دادن تفاوت این معانی چه روشی را می‌توان به کار برد. در گام نخست، نمونه‌های با معنای مشابه مورد بررسی قرار می‌گیرند و بر اساس واژگانی که در جایگاه‌های ساختار موضوعی قرار می‌گیرند، تعمیمی در مورد نوع معنایی قرار گرفته در هر جایگاه ویژه انجام می‌گیرد. در نمونه (۱) همه واژگانی که در جایگاه فاعل قرار می‌گیرند، دارای معنای مشترک [انسان] هستند. این معنای مشترک نمی‌تواند [موجود جاندار] در نظر گرفته شود، زیرا انجام عمل «تماس تلفنی برقرار کردن»، صرفاً عملی است که توسط [انسان] انجام می‌گیرد؛ در نتیجه، تصمیم‌گیری در مورد نوع معنایی به کاررفته شده بایستی به گونه‌ای جامع و مانع باشد، یعنی هم تمام موارد قابل کاربرد در ساخت موضوعی را شامل گردد و هم موارد غیر قابل استفاده را متمایز نماید.

در نمونه (۲) متمم (در خانه) که به «زنگ» افزوده شده است متمایزکننده معنا است و با در نظر نگرفتن آن نمی‌توان تمایز معنایی نمونه‌های (۱) و (۲) را نشان داد. زیرا در هر دو مورد در جایگاه فاعل واژگانی نوع معنایی [انسان] قرار می‌گیرد. در نمونه (۳) در واقع «گوگل برای بیدار کردن، زنگ می‌زند»، در این مورد در جایگاه فاعل واژگانی نوع معنایی [نرم افزار، دستگاه] قرار می‌گیرد و سبب می‌شود عبارت «زنگ زدن» از نظر معنایی متفاوت از جمله‌های (۱) و (۲) باشد. به همین

ترتیب، در نمونه‌های (۴) و (۵) واژه‌هایی با نوع معنایی مشترک [صدا] و [فلز] ساخت معنایی الگوی فعل را می‌سازند. تا این مرحله نشان داده شد، تغییرات در نوع معنایی که جایگاه فاعل را به خود اختصاص می‌دهد، تا چه اندازه بر معنای عبارت «زنگ زدن» تأثیرگذار است. اکنون، پس از بررسی واژه‌نماها از نظر معنایی، نوبت به بررسی ساختار موضوعی می‌رسد، برای نشان دادن چگونگی بررسی الگوها از نظر ساختاری عبارت «بخیه زدن» انتخاب شده است. زیرا دارای چهار الگوی ساختاری متفاوت است که همگی یک معنای مشترک را می‌رسانند. نمونه‌های (۶) تا (۹) ساختارهای نحوی متفاوت از این عبارت را نشان می‌دهند.

۶. در اتاق عمل پس از خارج کردن کامل نوزاد، سر را به تن بخیه زدند.

۷. موهای پشت سرم را از ته تراشیدند و ۵، ۶ بخیه زدند.

۸. من تا ۴ صبح بیمارستان بودم و سرم را بخیه زدم. هنوز هم سرم گیج می‌رود.

۹. به همین دلیل هفت بخیه به پای او زده شد.

در تعیین الگوهای هر فعل، پرسش دومی که برای تمیز دادن الگوها، مطرح شده است این است که «آیا تمام این عبارت‌ها دارای یک ساختار موضوعی هستند؟». با توجه به این پرسش و نمونه‌های بالا در بررسی نمونه (۶) معلوم شد که [انسان ۱: کادر پزشکی] که به وسیله شناسه فعل «زدند» نشان داده شده است و از متن برداشت می‌گردد که [کادر پزشکی] است، «سر را» که [بخشی از بدن انسان ۲] است، «به تن» که باز هم [بخشی از بدن انسان ۲] است، «با استفاده از نخ و سوزن مخصوص دوخته است». در مثال شماره (۷)، «سر» به عنوان [بخشی از بدن انسان ۲] از آن جایی که در جمله نخست بیان شده است، از جمله دوم حذف گردیده و تنها عناصر باقی‌مانده در جمله [انسان ۱: کادر پزشکی] و تعداد بخیه‌ها است. ولی در مورد نمونه (۸) دیگر اشاره‌ای به [انسان ۱: کادر پزشکی] نشده است و با استفاده از ساخت سببی نشان داده شده است که [انسان: بیمار]، انجام عمل «بخیه شدن» «سرم را» [بخشی از بدن انسان: بیمار] را به کسی واگذار کرده است. در نمونه (۹)، با استفاده از ساخت مجهول، مانند نمونه (۸) اشاره‌ای به [انسان ۱: کادر پزشکی] نشده است و با کاربرد عبارت «بخیه زده شدن»، نشان داده شده است که [بخشی از بدن انسان: بیمار] مورد درمان قرار گرفته است. ولی نکته قابل توجه در هر چهار جمله این است که معنای عمل انجام شده متفاوت نیست و در هر چهار موقعیت «[بخشی از بدن] به [بخشی از بدن] با استفاده از نخ و سوزن مخصوص دوخته شده است». در نتیجه چهار الگوی متفاوت (نمونه (۱۰)) معنای مشترک (نمونه (۱۱)) هستند.

۱۰. الف) الگو: [انسان ۱] [بخشی از بدن انسان ۲] را به [بخشی از بدن انسان ۲] بخیه زدند

(ب) **الگو:** [انسان: پوست] بخیه زدن

(پ) **الگو:** [انسان ۱] [بخشی از بدن انسان ۱] را بخیه زدن

(ت) **الگو:** بخیه به [عضو بدن] زده شدن

۱۱. **معنی:** [انسان] [بخشی از بدن] را به [بخشی از بدن] با استفاده از نخ و سوزن مخصوص

دوختن

پرسشی که مطرح می‌شود این است که دلیل استفاده گویشوران زبان فارسی از چهار الگوی متفاوت برای رساندن یک معنای مشترک چیست؛ هنکس (Hanks, 2013) معتقد به وجود انواع متفاوتی از تناوب‌های نحوی است. در واقع کاربرد اصلی تناوب‌های نحوی این است که برای گوینده یا نویسنده این امکان را فراهم می‌آورد که تأکید به وجود آمده توسط فعل را تغییر دهد. فعل‌های متفاوت از گونه‌های مختلف تناوب‌های استفاده می‌کنند و با بهره‌گیری از تناوب‌های نامعلوم و مجهول، حذف‌های^۱ و دووجهی^۲ بدون تغییر معنی اصلی فعل، فقط تأکید را تغییر می‌دهند. از این رو، در مورد ساخت‌های سببی و مجهول، فاعل یا کننده کار در قیاس با عمل انجام شده بی‌اهمیت بوده و تأکید بیشتر جمله بر روی انجام گرفتن عمل است.

۱۲. پزشکان استرالیایی تا کتون سه قلب را که بیش از ۲۰ دقیقه از حرکت ایستاده بودند را به

بیماران قلبی پیوند زدند.

۱۳. خانم جکسون برای اولین بار به یک مرد در حال مرگ، قلب یک شامپانزه را پیوند زد.

در نمونه^{۱۲} (۱۲) مفعول غیر مستقیم «به بیماران قلبی» پس از مفعول مستقیم «قلب را» قرار گرفته است و در نمونه^{۱۳} (۱۳) مفعول غیر مستقیم «به یک مرد» قبل از مفعول مستقیم «قلب یک شامپانزه را» آمده است؛ نمونه‌هایی از این دست در زبان فارسی فراوانی بالایی دارند، از این رو، پرسشی که مطرح می‌شود این است که در چنین مواردی بایستی معتقد به وجود یک الگو یا دو الگوی جداگانه بود. با وجود اینکه ترتیب خطی بی‌نشان زبان فارسی SOV است، اما ترتیب قرار گرفتن مفعول مستقیم و غیرمستقیم وابسته به نشان‌داری مفعول مستقیم دانسته شده است. فقیری و سمولین (Faghiri & Samvelian, 2019) بر مبنای پژوهش‌های پیکره‌بنیاد و آزمایشات تجربی از جمله در آثار فقیری (Faghiri, 2016)، فقیری و سمولین (Faghiri & Samvelian, 2014) و فقیری و همکاران (Faghiri et al., 2014, 2018) به این نتیجه رسیده‌اند که ترتیب خطی مفعول مستقیم و غیرمستقیم به گروهی از عوامل زبان شناختی مانند میزان معرفگی، طول بند و جاندار بودن بستگی دارد. بر اساس انواع تناوب‌های نحوی مطرح شده توسط هنکس (Hanks, 2013) و

¹ elliptical

² reciprocal

همچنین تنوع ترتیب خطی در زبان فارسی در پژوهش حاضر، تمامی ترتیب‌های خطی به کاررفته و تناوب‌های نحوی، در صورتی که موجب تغییر معنی عبارت فعلی نشوند، یک الگو به شمار می‌آیند. بر این مبنا، ساختارهای موضوعی برابر با نمونه‌های (۱۰)، (۱۲) و (۱۳) به این سبب که همگی نشان دهنده معنای مشترکی هستند، یک قالب از عبارت فعلی «بخیه زدن» و «پیوند زدن» را نشان می‌دهند.

۴. نتایج و تحلیل داده‌ها

همان گونه که در بخش مقدمه مقاله شرح داده شد، فهرست عضوهای غیر فعلی به کاررفته همراه با فعل سبک «زدن» از بررسی ۲۰۰۰ واژه‌نامه گردآوری شد؛ افزون بر این، موارد دیگری خارج از پیکره وجود دارند که در زبان فارسی همراه با فعل سبک «زدن» به کار می‌روند اما در پیکره کنونی وجود نداشته‌اند؛ از این دست می‌توان به موارد بیان شده در نمونه (۱۴) اشاره کرد:

۱۴. {فال، قیچی، باران، بامبول، بست، بند، بغل، پنجه، تگرگ، تلمبه، چهچه، سوهان، شکوفه، ضربت، ضربدر، غوطه، گام، لاس، نعره، نمک، اتو، اتود، اردنگی، الگو، آشنا، بر، پیچ، تقریب، جیک، حاشور، داربست، دهن، دود، دندان، سمباده، سنجاق، شعله، شگرد، شیون، شیهه، عطسه، زاغ}

دلیل وجود نداشتن کاربردهای بالا در پیکره کنونی این است که تقریباً همه متن تشکیل‌دهنده پیکره، برگرفته از متن‌های نوشتاری زبان فارسی است و برخی کاربردها که ویژه زبان محاوره است، در پیکره وجود ندارد. در بررسی قالب‌های به دست آمده چند نوع ساختار متفاوت مشاهده گردید که در ادامه این بخش شرح داده می‌شود.

۴. ۱. کاربرد اول: «زدن» به عنوان فعل سنگین

منصوری (2013, Mansouri) و کریمی دوستان (1997, Karimi-Doostan) بر این باورند که افعال سبک زبان فارسی به یک میزان سبک نشده‌اند و به جز «کردن»، افعال سبک دیگر به طور کامل تهی از معنا نیست. منصوری (2013, Mansouri) افعال سبک زبان فارسی را در قالب پیوستاری در نظر می‌گیرد که فعل «زدن» نزدیک‌ترین مورد به فعل «کردن» است که تقریباً به طور کامل تهی از معنا است. در پژوهش کنونی، بررسی این فعل در پیکره حدود ۲۲ قالب معنایی به صورت فعل سنگین از یکدیگر تمیز داده شده است. در این ۲۲ قالب، فعل «زدن» مانند افعالی که خود واژه فعلی به تنهایی معنایی کامل دارد، می‌تواند معنای کامل خود را داشته باشد. نمونه‌های (۱۵) تا (۱۸)، کاربرد فعل «زدن» به عنوان فعل سنگین را نشان می‌دهند.

۱۵. **الگو:** [انسان] به [لباس] [پارچه، شی] ... مثل سریال در پناه تو که یک خانم به چادرش زدن کش زد.

معنی: [انسان] به [لباس] [پارچه، شی]
دوختن

۱۶. **الگو:** [انسان] [پارچه، تصویر، شی: میخ مانند] را به / روی [سطح عمودی] زدن - این پیشکسوت که عکس‌های قدیمی خود را به دیوار محل زندگی اش زده بود.

معنی: [انسان] [پارچه، تصویر، شی: میخ مانند] را به / روی [سطح عمودی] نصب کردن

- در فصل انتخابات تابلوهای این جریان ناشناخته به در و دیوار شهرهای مختلف زده شد.

۱۷. **الگو:** [انسان] زدن - حتی آن‌هایی که موسیقیدانان خیابانی هستند و شب‌ها کنار تالار می‌زنند. **معنی:** [انسان] نواختن

- به نظر من هر موسیقی دانی، از کسی که در قهوه خانه هم می‌زند و شغلش موسیقی است....

در نمونه (۱۵)، دو واژه «چادر» و «کش» معنای «دوختن» را برای فعل «زدن» در ذهن خواننده متن فعال می‌کنند. در این مثال، اگر به جای «کش»، واژه «گیره یا سنجاق» استفاده شده بود، معنای فعل زدن به «وصل کردن» تغییر می‌کرد. در نمونه (۱۶)، اگر به جای «عکس‌های قدیمی خود»، برای نمونه «رنگ آبی» قرار می‌گرفت، از فعل «زدن»، به جای معنای «نصب کردن»، معنای «رنگ کردن» دریافت می‌شد. در نمونه (۱۷) هم «موسیقی دانان» به دریافت معنای «نواختن» از فعل «زدن» کمک می‌کند، ولی اگر در این جمله واژه «معتادان خیابانی» به کار رفته بود، فعل «زدند»، معنای «استعمال کردن» داشت. به باور هنکس (Hanks, 2013)، واژگان در واقع دارای معنای بالقوه هستند و متن و بافتی که در آن به کار می‌روند یکی از معناهای بالقوه آن را فعال می‌کنند. در مورد فعل سنگین «زدن»، کاربرد آن در متون و موقعیت‌های زبانی متفاوت می‌تواند هر کدام از ۲۲ معنای متفاوت آن را فعال نماید. گفتنی است که جایگزینی واژه‌ها و به دست آوردن معنای جدید از فعل همواره امکان‌پذیر نیست و نمونه‌های (۱۵) تا (۱۷) برای روشن شدن اهمیت متن و بافت کاربرد واژه و تأثیر آن در معنی واژه انتخاب شده‌اند و واژگانی که به عنوان جایگزین مورد بررسی قرار گرفتند، همگی این امکان را داشتند که یکی از معانی بالقوه فعل «زدن» را فعال نمایند. در ادامه، به بررسی این معانی بالقوه در ساختارهای فعل سبک «زدن» می‌پردازیم.

۴.۲. کاربرد دوم: «زدن» به عنوان فعل سبک

در پژوهش حاضر حدود ۵۰۰ معنای متفاوت برای ترکیب‌های فعلی دارای «زدن» تشخیص داده شد؛ که از این تعداد فقط در ۲۴ مورد، فعل «زدن» به عنوان فعل سنگین به کار رفته‌است و مابقی کاربردها به عنوان فعل سبک استفاده شده‌است. در بخش پیش‌رو، برای معانی بیان شده به وسیله هر یک از کاربردهای فعل سنگین در بخش (۱-۴)، کاربردهای فعل سبک مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ به این منظور از نمونه‌های (۱۸) تا (۲۶) بهره گرفته می‌شود.

۱۸. الف) الگو: [انسان] [بخشی از بدن] را به [بخشی از بدن] بخیه زد
- در اتاق عمل پس از خارج کردن کامل نوزاد، سر را به تن بخیه زدند.
ب) الگو: [انسان: پوست] بخیه زد
- موهای پشت سرم را از ته تراشیدند و ۵،۶ بخیه زدند.

پ) الگو: [انسان] [بخشی از بدن] را بخیه زد
- من تا ۴ صبح بیمارستان بودم و سرم را بخیه زدم. هنوز هم سرم گسیج می‌رود.

ت) الگو: [انسان] بخیه به [عضو بدن] زد
معنی: الگو: [انسان] [بخشی از بدن] را به [بخشی از بدن] زد.
بدن [با استفاده از نخ و سوزن مخصوص دوختن]

۱۹. الگو: [انسان] [لباس] را وصله زد
معنی: [انسان] پارگی لباس را دوختن
- حضرت فاطمه آرد می‌کرد و خمیر می‌ساخت و نان می‌بخت و لباس‌ها را وصله می‌زد.

در نمونه‌های (۱۸) و (۱۹) ساختار فعل سبک در معنای کلی «دوختن» به کار رفته‌است با این تفاوت که در نمونه (۱۹) [شیی] که «دوخته» می‌شود، [عضوی از بدن انسان] است، اما در نمونه (۱۹) [پارچه] «دوخته» می‌شود. در نمونه‌های بالا «بخیه و وصله» در ترکیب با فعل سبک «زدن» نوع «دوخت» انجام شده را محدود می‌کنند و در واقع معنای «دوختن» را با دقت و جزئیات بیشتری به وسیله عبارت فعلی بیان می‌کنند. منظور از بیان با دقت و جزئیات بیشتر این است که اگر به جای «لباس‌ها را وصله می‌زد» از فعل «دوختن» استفاده می‌شد؛ جمله «لباس‌ها را می‌دوخت» به دست می‌آمد که از نظر معنایی با جمله اصلی تفاوت دارد و این مفهوم که «پارگی» [لباس و کفش کهنه] دوخته شده‌است، از آن قابل دریافت نبود.

در ادامه چند مورد از مثال‌های مربوط به معنی «نواختن» بررسی می‌شود.

۲۰. **الگو:** [انسان: داور] سوت [پایان / آغاز] را زدن
معنی: [انسان، داور] برای نشان دادن آغاز و پایان بازی و یا خطا، در سوت خود دمیدن
- بعد از آنکه داور سوت پایان را زد
پاشازاده بازم به زمین آمد
همان لحظه داور سوت را زد.
۲۱. **الگو:** [انسان] (بر علیه / برای [انسان]) سوت زدن
معنی: [انسان] صدای سوت در آوردن صرفاً فقط تولید صدا، تولید صدا برای تشویق، تولید صدا برای اعتراض
- هواداران به شدت او را هو کرده و بر علیه او سوت می‌زدند.
- هرگاه دیدید دشمن برای شما سوت و کف می‌زند بدانید راه را دارید اشتباه می‌روید.
۲۲. **الگو:** [انسان: سرنشین خودرو، خودرو] بوق زدن
معنی: [انسان: سرنشین خودرو، خودرو] بوق ماشین را به صدا در آوردن
- مردم شعار زنده باد ایران سر داده و سرنشینان خودروها بوق ممتد می‌زدند.
- بعضی‌ها انگار به نشانه اعتراض برای پلیس سر چهارراه بوق می‌زنند.
۲۳. **الگو:** [انسان: هنرمند] ساز زدن
معنی: [انسان: هنرمند] ساز نواختن
- در بخشی این هنرمندان در کنار یکدیگر می‌نشینند و ساز می‌زنند.
- یک نوازنده نمی‌تواند چهار ساعت ساز بزند.

در ترکیب‌های فعل سبک «زدن» که در حوزه معنایی «نواختن» قرار می‌گیرند، دو دامنه معنایی قابل تشخیص است، «تولید صدا» و «تولید موسیقی». از نمونه‌های (۲۰) تا (۲۳) معنای ترکیب فعل سبک در زیر مجموعه معنای کلی «تولید صدا» قرار می‌گیرد، اما نمونه (۲۳) برای «تولید موسیقی» به کار می‌رود.

نمونه‌های (۲۰) و (۲۱) هر دو از کاربردهای ساخت فعل سبک «سوت زدن» هستند؛ با این تفاوت که در نمونه (۲۰) منظور از «سوت زدن» و تولید صدا نشان دادن رخدادی است که در بازی‌های ورزشی اتفاق می‌افتد. در نمونه (۲۱) هدف از سوت زدن نشان دادن «احساسات» است، در حالی که داور مسابقات ورزشی برای بیان احساسات خود در سوت نمی‌دمد. همچنین در نمونه (۲۲) در عمل «به صدا در آوردن بوق خودرو» صدایی تولید می‌گردد و می‌تواند نشان دهنده [اخطار یا احساسات] باشد. ولی در نمونه (۲۳) ساخت فعل سبک «ساز زدن»، معنای «تولید موسیقی» با استفاده از [آلات موسیقی] را نشان می‌دهد.

نمونه‌های بررسی شده تا این مرحله نشان‌دهنده ترکیب یک پایه با فعل سبک «زدن» بوده‌اند که در زیرمجموعه معنایی بالقوه فعل سنگین «زدن» قرار گرفته‌اند و در واقع نشان داده شد که با استفاده

از پایه، معنای دقیق‌تر و با جزئیات بیشتر به وسیله جمله قابل انتقال است. در ادامه، مواردی مورد بررسی قرار می‌گیرند که دارای معنای اصطلاحی هستند.

۲۴. **الگو:** [انسان] به [انسان] وصله زدن
معنی: [انسان] به [انسان] به دروغ چیزی
 - این وصله‌هایی که به ف. کاف‌ها (اختصار اسامی متهمین) زدند وصله‌های بی‌دلیلی بود.
 را نسبت دادن

۲۵. **الگو:** [انسان: داور] [بازی را] (به نفع /
 ضرر [تیم]) سوت زدن
معنی: [انسان: داور] [بازی را] (به نفع /
 ضرر [تیم]) قضاوت کردن
 - آقای فغانی از بهترین داوران آسیاست و به نفع
 کسی سوت نمی‌زند. (اصطلاح ورزشی)
 - این طور نبود که اتفاقات داوری به ضرر
 پرسپولیس باشد چون داور به ضرر ما هم سوت
 زد.

.... اشتباه سوت زد.

۲۶. **الگو:** [انسان، دولت، رسانه] ساز [خود
 [را] زدن
معنی: [انسان، دولت، رسانه] مطابق میل
 خود رفتار کردن
 - در تار و پود موافقتنامه‌ها و پیمان‌ها درگیر
 می‌کند که عملاً هیچ کشوری نمی‌تواند ساز
 مستقل خودش را بزند.
 - چقدر سازمان‌های فرهنگی داریم که هر کدام
 ساز خود را می‌زنند.
 - مسئولان باشگاه‌های عربستانی هر کدام یک ساز
 می‌زنند.

در نمونه (۲۴) ساخت فعل سبک «وصله زدن» نمی‌تواند مانند نمونه (۲۰)، ترکیب «نوعی روش دوخت + فعل زدن به معنای دوختن» باشد، بلکه ساخت فعل سبک به عنوان یک واحد معنایی عمل می‌کند و معنای «نسبت دادن دروغ به شخصی» را می‌رساند. همچنین در نمونه (۲۵) معنای «سوت زدن» کاملاً متفاوت و عاری از معنای «تولید صدا» است. برای روشن شدن تفاوت معنایی می‌توان از جمله‌های «آقای فغانی از بهترین داوران آسیاست و به نفع کسی صدای سوت را در نمی‌آورد» و «آقای فغانی از بهترین داوران آسیاست و به نفع کسی قضاوت نمی‌کند.» بهره گرفت. همچنین در نمونه (۲۶)، ترکیب «ساز زدن» در کاربردی اصطلاحی معنای «ساز نواختن» را منتقل نمی‌کند؛ در این کاربرد، در برخی موارد با استفاده از عبارت «خود/خودش را» معنای اصطلاحی از معنای ترکیبی متمایز می‌گردد (مانند دو جمله اول) و در برخی موارد با استفاده از نوع معنایی عبارتی که در جایگاه فاعل قرار گرفته معنای اصلاحی فعال می‌گردد، برای نمونه، اگر در جمله سوم به جای «مسئولان باشگاه‌های عربستانی»، عبارت «اعضای خانواده او» قرار

می‌گرفت، افزون بر معنای «مطابق میل خود رفتار کردن» انتقال معنای «نواختن ساز» هم محتمل می‌بود. در این بخش، با استفاده از جمله‌های (۱۹)، (۲۰)، (۲۴) و (۲۵) و با جایگزینی واژگانی با معنای متفاوت نشان داده شده‌است که معنای ساخت فعل سبک می‌تواند با استفاده از ترکیب معنایی پایه و فعل سبک به دست آید و یا به صورت اصطلاحی تعیین گردد. در بخش بعدی ساخت‌هایی مورد بررسی قرار می‌گیرند که پایه‌ها دارای معنای مشترک هستند.

۴.۳. کاربرد سوم: فعل سبک «زدن» در ترکیب با نواحی معنایی

در بیکره زبانی، مواردی مانند نمونه‌های (۲۷) تا (۳۰) وجود دارد:

۲۷. روسیو با مهارت **گیتار می‌زد**.

۲۸. این بیمار که یک ویولن زن حرفه‌ای است حین عمل جراحی **ویولن می‌زد**.

۲۹. بدون دست هم میشود **پیانو زد**، خواند و به گریه انداخت.

۳۰. دارم با تشمت، **تنبک می‌زنم**.

در نمونه‌های بالا در هر جمله فعل سبک «زدن» در ترکیب با یکی از آلات موسیقی یک عبارت فعلی تشکیل داده‌است و در هر کدام به ترتیب معنای «گیتار نواختن»، «ویولون نواختن»، «پیانو نواختن» و «تنبک نواختن» منتقل می‌شود. پرس پرس، مواردی مانند «ساز»، «سازدهنی»، «شیپور» و «نی» را در طبقه‌بندی‌های جداگانه قرار داده و ترکیب هر کدام از این موارد را با فعل «زدن» یک ترکیب مستقل در نظر گرفته‌است. این در حالی است که روش پرس پرس در بررسی ترکیبات این چنینی را بپذیریم، می‌بایست معتقد به این باشیم که به تعداد آلات موسیقی موجود در جهان اطراف، ترکیب فعل زدن با معنای «نواختن» وجود دارد. افزون بر ترکیب {آلات موسیقی} موارد مشابه زیر هم وجود دارد:

۳۱. {هالتر، وزنه، دمبل و ...}

۳۲. {ادویه، نمک، فلفل، زردچوبه و ...}

۳۳. {آمپول، پنیسلین، واکسن، سرم و ...}

۳۴. {تیر، موشک، خمپاره، گلوله، ...}

۳۵. {اسکات، پرس سینه و ...}

۳۶. {علف، حشیش، سیگاری و ...}

۳۷. {کرم، پماد، ضد آفتاب و ...}

۳۸. {دکان، مغازه، مطب، شرکت و ...}

۳۹. {کارد، چاقو، شمشیر، خنجر و ...}

موارد مورد اشاره در نمونه‌های (۳۱) تا (۳۹) را می‌توان به دو گروه دسته‌بندی کرد، در مورد نمونه‌های (۳۱)، (۳۲) و (۳۳) بین اعضای هر گروه رابطه سلسله‌مراتبی وجود دارد و به ترتیب (وزنه، ادویه و آمپول) در مرتبه بالاتر نسبت به اعضای گروه قرار دارد. اما در نمونه‌های (۳۵) تا (۳۹) رابطه سلسله‌مراتبی وجود ندارد، بلکه یک مشخصه معنایی مشترک میان اعضاء وجود دارد. در تمامی موارد بالا، امکان ترکیب هر یک از اعضای هر مجموعه با فعل «زدن» وجود دارد. پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا باید به تعداد تمام اعضای موجود، ترکیب‌های جداگانه برای فعل «زدن» در نظر گرفت.

نانبرگ و همکاران (Nunberg et al, 1994) و ساگ و همکاران (Sag et al., 2002) معتقدند، اینکه ساخت‌های افعال سبک همراه با خانواده‌های معنایی به کار می‌روند، نشان‌دهنده توزیع قاعده‌مند افعال سبک است. همچنین فلیشاور (Fleischhauer, 2020) می‌نویسد اینکه اعضای یک خانواده همراه با یک فعل سبک به کار می‌روند، نشان‌دهنده یک الگوی تفسیری^۱ مشترک میان اعضای متفاوت است. فامیلی (Family, 2011) بر اساس وجود چنین مواردی این گونه نتیجه‌گیری کرده‌است که ساخت افعال سبک حاصل یک فرآیند ترکیبی است. وی وجود این موارد را با عنوان جزیره‌های فعلی^۲ بررسی کرده‌است و ترکیبات فعل حاوی فعل سبک «زدن» را در دسته‌بندی‌های معنایی با نام جزیره فعلی قرار داده‌است.

از سوی دیگر در روش تحلیل الگوهای پیکره‌ای، هنکس (Hanks, 2013) گروهی از واژه‌ها که در جایگاه موضوع یک فعل قرار می‌گیرند را دسته معنایی نامیده‌است و عامل اشتراک و قرار گرفتن این واژه‌ها در یک دسته را نوع معنایی دانسته‌است.

پس در واقع در این گونه ترکیبات، دسته معنایی {ساز، سازدهنی، شیپور، نی و ...} که دارای نوع معنایی [آلات موسیقی] است به صورت تک به تک با فعل «زدن» ترکیب نمی‌شوند؛ بلکه مشخصه معنایی [آلات موسیقی] با فعل «زدن» ترکیب گردیده و با قرار دادن هر کدام از اعضای دسته معنایی در ترکیب، معنای بالقوه «نواختن» فعال خواهد شد.

۴. کاربرد چهارم: عبارت فعلی حاوی فعل سبک «زدن» به عنوان یک قالب

معنایی

در کنار موارد بالا، عبارات فعلی حاوی فعل سبک «زدن» وجود دارند که ساخت فعل سبک مانند یک قالب یا چارچوب بدون معنای کامل، عمل می‌کند و واژگانی که دارای مشخصه معنایی

¹ interpretational

² verbal islands

مشترک نیستند در درون این قالب قرار گرفته و معنی عبارت فعلی را تکمیل می‌نمایند. در نمونه (۴۰)، معنای کلی عبارت فعلی با توجه به صفت «ساز» تعیین می‌گردد و در صورت حذف صفت مورد نظر، معنای عبارت فعلی ناتمام خواهد بود، از این رو صفت‌های به کار رفته همراه با این کاربرد در پیکره، جزیی از عبارت فعلی هستند که بر خلاف کاربرد سوم، دارای نوع معنایی مشترک نیستند.

۴۰. **الگو:** [انسان، دولت، سازمان] ساز (همراهی، مخالف، ناهماهنگی، ناکوک، جدایی، دیگری، جداگانه) (با [انسان، سازمان]) زدن

معنی: [انسان، دولت، سازمان] تصمیم (همراهی، مخالف، ناهماهنگی، ناکوک، جدایی، دیگری، جداگانه) داشتن

به جز چند نماینده که ساز ناهماهنگی با مجلس می‌زنند.

... باعث شده‌است که برخی در جنوب یمن بار دیگر ساز جدایی از شمال را بزنند.

مهدی تاج هم خیلی زود ساز همراهی زد و بهترین راه را برای واگذاری استقلال و پرسپولیس را واگذاری به دو شرکت بزرگ خودروسازی....

برای روشن تر شدن موضوع معنای یکی از جمله‌های (۴۰) همراه با صفت‌های متفاوت موجود در پیکره که همراه با این ساختار کاربرد دارند، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴۱. برخی در جنوب یمن بار دیگر ساز **جدایی** از شمال را بزنند.

- برخی در جنوب یمن بار دیگر ساز شمال را بزنند.

- برخی در جنوب یمن بار دیگر ساز **همراهی** با شمال را بزنند.

- برخی در جنوب یمن بار دیگر ساز **مخالف** با شمال را بزنند.

- برخی در جنوب یمن بار دیگر ساز **ناهماهنگی** با شمال را بزنند.

در عبارت‌های بالا در صورت حذف صفت «ساز» جمله کاملاً بدون معنی می‌شود، در صورت افزودن صفت «همراهی» به «ساز» معنای «موافقت و همکاری» و در صورت بهره‌گیری از صفات «مخالف و ناهماهنگی» معنای متضاد، یعنی «مخالفت و دشمنی» منتقل می‌گردد. پس در واقع معنای «تصمیم ... داشتن» با استفاده از معنای صفت «ساز» کامل می‌گردد. از این گونه موارد می‌توان به ترکیب دیگری در نمونه (۴۲) اشاره کرد:

۴۲. **الگو:** [انسان] خود را به [...] زدن

معنی: [انسان] وانمود به [...] کردن

... آقای روحانی در این دو سال به مخالفان رادیکال خود وارد ساخته و البته

خود را به نشنیدن زدند.

امروزه آسیب‌های اجتماعی در اطراف خودمان بسیار است و شاید خود را به خواب زده‌ایم. ۴۳. {نشیدن، خواب، تجاهل، تغافل، کری، ناشنوبی، ندیدن، مردن، عصبانیت، بی‌هوشی، بیماری، بی‌تفاوتی، بی‌خیالی، چلاقی، دل‌درد، دیوانگی، اسهال، فراموشی، فراموشکاری، گدایی، حماقت، جهالت، جهل، کم‌درد، کرگوشی، کودنی، کوری، مستی، مظلومیت، موش‌مردگی، نادانی، نفهمی، ناخوشی، پادرد، غش و ضعف، سادگی، سرماخوردگی، خریت}

در بررسی پیکره، واژه‌نمایی که با الگوی موجود در شماره (۴۲) وجود دارند، همگی معنای مشترک «وانمود کردن به ...» را منتقل می‌کنند، اما وضعیتی که به آن «وانمود می‌شود» توسط مواردی که در نمونه (۴۳) آمده‌است، تعیین می‌گردد. پرس پرد ۳۲ کاربرد جداگانه برای این نوع ساخت در نظر گرفته‌است و برای معنای هر یک، از فعل انگلیسی «to feign» به معنای «وانمود کردن» بهره گرفته‌است. در صورتی که روش پرس پرد در مورد فهرست کردن این کاربردها به کار برده شود، به ازای هر تعداد وضعیت و حالت مربوط به انسان که در زبان قابل بیان توسط واژه‌ها باشد، ساختار و معنای جدید برای ساخت فعل سبک بالا بایستی در لغت‌نامه‌ها فهرست گردد. در واقع ساخت فعل سبک شماره (۴۲) معنای «وانمود کردن به [صفت یا وضعیت]» را نشان می‌دهد و نمی‌توان به ازای هر صفت به کار رفته در ترکیب، یک عبارت فعلی جداگانه در نظر گرفت.

در نتیجه در مواردی مانند نمونه‌های (۴۰) و (۴۲)، معنای ساخت فعل سبک حاوی «زدن»، ترکیبی است و به وسیله جزء معنایی که در بیشتر موارد یک صفت است، تعیین می‌گردد.

۵. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های مستخرج از پیکره ۵۰۰ میلیون واژه‌ای بی‌جن‌خان، فعل «زدن» با استفاده از نرم‌افزار تحلیل پیکره مورد بررسی قرار گرفت. در این راستا، افزون بر ۲ هزار واژه‌نما نخست، بیش از ۲۰ هزار واژه‌نما برای تعیین الگوهای این فعل مطابق روش تحلیل الگوهای پیکره‌ای هنکس (Hanks, 2013) بررسی گردید. در پیوست این پژوهش اطلاعات مربوط به الگوها و قالب‌های به کار رفته در کاربرد سنگین و سبک فعل «زدن» مورد بررسی قرار گرفت و در حدود ۶۰۰ الگو از نظر تناویبات نحوی و ۵۰۰ الگو از نظر معنایی، از یک‌دیگر متمایز شدند.

ترکیب‌های دربردارنده فعل «زدن» در زبان فارسی رایج هستند، که به سبب سبک متون پیکره در فهرست الگوهای فعل «زدن» قرار نگرفته‌اند. زیرا تقریباً تمام داده‌های پیکره برگرفته از زبان نوشتاری‌اند و تعیین ترکیب‌های فعل «زدن» که در زبان محاوره رایج است، امکان‌پذیر نبوده‌است.

از این رو، یکی از ابزارهای مورد نیاز برای بررسی زبان فارسی، پیکره زبانی متشکل از سبک‌های متفاوت کاربرد زبان است.

در پژوهش‌های دستور زبان سنتی و زبان‌شناسی جدید، ساخت فعل سبک این گونه تعریف شده‌است که عنصری غیر فعلی که می‌تواند اسم، صفت و یا حرف اضافه باشد در ترکیب با فعل سبک، یک ساخت واحد را تشکیل می‌دهند. ولی یافته‌های به‌دست‌آمده از تحلیل الگوهای مستخرج از پیکره نشان داده‌است که فعل «زدن»، به چهار شیوه در زبان فارسی به کار برده می‌شود. در این چهار کاربرد معنای ساخت فعلی گاهی به صورت ترکیبی و گاه به صورت اصطلاحی است:

الف) فعل سنگین «زدن»

ب) پایه + فعل سبک «زدن»

پ) [نوع معنایی] + فعل سبک «زدن»

ت) عبارت فعلی حاوی فعل سبک «زدن» که یک چارچوب معنایی را تشکیل می‌دهد و با افزوده شدن یک جز معنایی متغیر، که معمولاً یک صفت است، معنای آن کامل می‌شود. کاربردهای نوع اول و دوم مواردی است که در پژوهش‌های پیشین به آن‌ها اشاره شده است و به صورت گسترده مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ اما کاربردهای نوع سوم و چهارم موارد جدیدی هستند که نیاز به بررسی و مطالعه در دیگر افعال سبک زبان فارسی دارند.

فهرست منابع

- امامی، کریم (۱۳۸۶). فرهنگ معاصر کیمیا: فارسی-انگلیسی. تهران: فرهنگ معاصر.
- ایزائلو، علی و فهیمه نصیب ضرابی (۱۳۹۵). «بررسی معناشناختی فعل «خوردن» بر اساس معنای پایه «پذیرا بودن»». *زبان‌پژوهی*. دوره ۸، شماره ۲۰. صص ۱۲۵-۱۴۲.
- صدری افشار، غلامحسین و نسرین حکمی (۱۳۹۳). *فرهنگ معاصر فارسی*. تهران: فرهنگ معاصر.
- کریمی دوستان، غلامحسین و زهرا روحی بایگی (۱۳۹۵). «بررسی چند معنایی فعل سبک «زدن» از دیدگاه شناختی». *جستارهای زبانی*. شماره ۳۱. صص ۱۲۹-۱۴۸.
- منصوری، مهرزاد (۱۳۹۲). «فعل سبک در افعال مرکب فارسی». *مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*. دوره ۱، شماره ۱. صص ۷۷-۱۰۴.

References

- Amberber, M., Baker, B., & Harvey, M. (2010). *Complex predicates: Cross-linguistic perspectives on event structure*. Cambridge: Cambridge University

- Press.
- Baisa, V., Bradbury, J., Cinková, S., El Maarouf, I., Kilgarriff, A., & Popescu, O. (2015). Semeval-2015 task 15: A cpa dictionary-entry-building task. In D. M. Cer, D. Jurgens, P. Nakov, T. Zesch (Eds.), *Proceedings of the 9th International Workshop on Semantic Evaluation (SemEval 2015)* (pp. 315-324). Denver: Association for Computational Linguistics.
- Bradbury, J., & El Maarouf, I. (2013, November). An empirical classification of verbs based on Semantic Types: the case of the 'poison' verbs. In N. T. Nguyen, F. L. Gaol, T. Hong, B. Trawiński (Eds.), *Proceedings of the Joint Symposium on Semantic Processing, Textual Inference and Structures in Corpora* (pp. 70-74). Switzerland: Springer.
- Burger, H. (2003). *Eine Einführung am Beispiel des Deutschen*. Berlin: Erich Schmidt.
- Butt, M. (2010). *The light verb jungle: Still hacking away. Complex predicates: Cross-linguistic perspectives on event structure*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Cowie, A. P. (Ed.). (1998). *Phraseology: Theory, analysis, and applications*. OUP Oxford.
- El Maarouf, I., Marsic, G., & Orasan, C. (2015). Barbecued Opakapaka: Using Semantic Preferences for Ontology Population. In G. Angelova, K. Bontcheva & R. Mitkov (Eds.), *RANLP (International Conference Recent Advances in Natural Language Processing)* (pp. 153-159). Bulgaria: INCOMA Ltd.
- Emami, K. (2009). *Farhang-e moaser-e kimya farsi-englishi* (Farhang Moaser Kimya Persian-English dictionary) (4th ed.). Tehran: Farhang Moaser [In Persian].
- Evert, S. (2011). *Distributional Semantics*. San Rafael, CA: Morgan & Claypool Publishers.
- Faghiri, P & Samvelian, P. 2021. The issue of “separability” in Persian complex predicates. In B. Crysmann & M. Sailer (Eds.), *One-to-many relations in morphology, syntax, and semantics* (pp. 117–149). Berlin: Language Science Press.
- Faghiri, P. (2016). *La variation de l'ordre des constituants dans le domaine préverbal en persan: approche empirique*. PhD dissertation. Université Sorbonne Nouvelle Paris, Paris, France.
- Faghiri, P., & Samvelian, P. (2014). Constituent ordering in Persian and the weight factor. In Ch. Pinon (Ed.), *Empirical issues in syntax and semantics 10* (EISS 10), 215–232. CNRS.
- Faghiri, P., Samvelian, P., & Hemforth, B. (2014). Accessibility and word order: The case of ditransitive constructions in Persian. In S. Müller (Ed.), *Proceedings of HPSG 2014* (pp. 217–237). Stanford: CSLI Publications.
- Faghiri, P., Samvelian, P., & Hemforth, B. (2018). Is there a canonical order in Persian ditransitive constructions? Corpus based and experimental studies. In Agnes Korn & Andrej Malchukov (eds.), *Ditransitive constructions in a cross-linguistic perspective* (pp. 165–185). Wiesbaden: Reichert Verlag.
- Family, N. (2011). Verbal islands in Persian. *Folia Linguistica*, 45(1), 1-30.
- Fellbaum, C. (1998). *WordNet: An Electronic Lexical Database*. Cambridge, MA: MIT Press.

- Fleischhauer, J., & Neisani, M. (2020). Adverbial and attributive modification of Persian separable light verb constructions. *Journal of Linguistics*, 56(1), 45-85.
- Gerdes, K., & Samvelian, P. (2008). A statistical approach to Persian light verb constructions. *Paper presented at 27th conference on Lexis and Grammar*, 10-13 September. L'Aquila, Italy.
- Glaser, R. (1986). *Phraseologie der englischen Sprache*. Leipzig: VEB Verlag Enzyklopa'die.
- Granger, S. & Paquot, M. (2008). Disentangling the phraseological web. In S. Granger & F. Meunier (Eds.), *Phraseology: An Interdisciplinary Perspectives* (pp. 27-49). Amsterdam & Philadelphia: Benjamins.
- Hanks, P. (2004). The Syntagmatics of Metaphor and Idioms. *International Journal of Lexicography*, 17 (3), 245-274.
- Hanks, P. (2013). *Lexical analysis: Norms and exploitations*. MIT Press.
- Hanks, P., & Može, S. (2019). The way to analyse 'way': A case study in word-specific local grammar. *International Journal of Lexicography*, 32(3), 247-269.
- Hanks, P., & Pustejovsky, J. (2005). A Pattern Dictionary for Natural Language Processing. in *Revue Française de linguistique appliqué*, 10 (2), 63-82.
- Izanloo, A., & Nasib Zarraby, F. (2016). A Semantic Study of "xordan" based on The Basic Meaning of "accepting". *Zabanpazhuhi*. 10 (20), 125-142 [In Persian].
- Karimi-Doostan G, Roohi Bygi Z. (2016). A cognitive study of light verb polysemy: The case of ZADAN. *IQBQ*. 2016; 7 (3), 129-148 retrieved from <http://lrr.modares.ac.ir/article-14-9502-fa.html> [In Persian].
- Karimi-Doostan, G. (1997). *Light verb constructions in Persian*. PhD Dissertation, University of Essex, Essex, England.
- Mansouri, M. (2013). Light Verbs in Persian Complex Predicates. *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 1(1), 77-104 [In Persian].
- Miller C.A. (2018) The lexicography of Persian (Farsi, Tajiki, and Dari). In: Hanks P., de Schryver GM. (eds) *International Handbook of Modern Lexis and Lexicography*. Springer, Berlin, Heidelberg
- Mohammad, J. and Karimi, S. (1992). Light verbs are taking over: Complex predicates in Persian. In J. A. Nevis & V. Samiian (Eds.), *Proceedings of the Western Conference on Linguistics*, (vol. 5, pp. 195-212). Fresno: California State University.
- Nunberg, G., Sag, I. A., & Wasow, T. (1994). Idioms. *Language*, 70(3), 491-538.
- Popescu, O., Palmer, M., & Hanks, P. (2014). Mapping CPA Patterns onto OntoNotes Senses. In H. Bunt (Ed.), *LREC* (pp. 882-889). Reykjavik: European Language Resources Association (ELRA).
- Sadri-Afshar, G. H., Hakami, N., & Hakami, N. (2008). *Farhang-e moaser-e farsi (Farhang Moaser contemporary Persian dictionary)* (5nd ed.). Tehran: Farhang Moaser [In Persian].
- Sag, I. A., Baldwin, T., Bond, F., Copestake, A., & Flickinger, D. (2002). Multiword expressions: A pain in the neck for NLP. In A. Gelbukh (Ed.), *International Conference on Intelligent Text Processing and Computational Linguistics* (pp. 1-15). Heidelberg: Springer.
- Samvelian, P., and Faghiri, P. (2013). Introducing PersPred, a syntactic and semantic database for Persian complex predicates. In V. Kordoni, C. Ramisch

- & A. Villavicencio (Eds.), *Proceedings of the 9th Workshop on Multiword Expressions* (pp. 11-20). Atlanta, Georgia, USA: Association for Computational Linguistics.
- Steyer, K. (2015). Patterns. Phraseology in a state of flux. *International Journal of Lexicography*, 28(3), 279-298.
- Wierzbicka, A. (1984). Apples are not a kind of fruit: the semantics of human categorization. *American Ethnologist*, 11 (2), 313-328.



© 2020 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).

